

آرایش انقلاب و ضد انقلاب

در شرایط کنونی

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال اول ، شماره ۱۵۵
چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵ ریال

بدون درک
آرایش
نیروها
نمی‌توان
به سمت یابی
درست
سیاسی
دست یافت

وقتی قضاوت‌های آشفته سیاسی راز این و آن
مردم، باین نتیجه می‌رسید که برخی، و از جمله
افراد صادق به انقلاب، و نگاه دوستان و هواداران
صمیمی حزب ما، از درک آرایی انقلاب و ضد انقلاب
در شرایط مشخص کنونی عاجز میمانند و حال آنکه
بدون درک این آرایی، نمیتوان دست و پیرف و
مخالف و دشمن رازهم باز شناخت و به سمت یابی
درست سیاسی دست یافت و در رویه‌ها دوری کرد.
این افراد یادوستان گناهی هم ندارند. در واقع
صحنه شطرنج انقلاب ایران، پس از سرنگونی
استبداد، شطرنج بفرجهی است و خواندن صوف و
تشخیص عملکرد بازیگران، کار ساده‌ای نیست و
هر به اطلاع و هم به تحلیل منطقی درست نیازمند
است.

در این زمینه حزب ما همیشه کوشیده است و
باین کوشش در آینده نیز ادامه خواهد داد، تا بتواند

خوانندگان مردم، راه دوری درست میسر کند،
و از جمله نوشته حاضر نیز جزئی است از این تلاش
ضروری.
در ابتدا باید گفت که در میان نیروهایی که در صحنه
سیاست امروزی ایران عمل میکنند، بخشهای عمده زیرین
را باید از هم تشخیص داد:
۱- ضدانقلاب بمعنای اصیل این کلمه،
۲- عناصر راستگرا،
۳- عناصر بیطرف و نوسانگر،
۴- عناصر هوادار انقلاب ام آزیبگیر و یانابگیر.
حزب ما در بخش هواداران و حامیان پیگیر انقلاب
قرارداد و روش وی نسبت به ضدانقلاب افشاء توطئه‌ها و
نبرد بی‌امان با آن، و نسبت به عناصر راستگرا منفرد کردن
آنها در روند انقلاب و جلوگیری از پیشرفت نظریات
راستگرایانه‌شان، و نسبت به عناصر بیطرف و نوسانگر،
افتاح آنها و نسبت به عناصر هوادار انقلاب پشتیبانی است.
بقیه در صفحه ۲

گرانی
و
زندگی
رحمت
کشان

بهای کالاهای مصرفی
مورد نیاز مردم، هر روز از روز
پیش گرانتر میشود. بطوریکه
در شماره‌های گذشته مردم
نوشتم، بهای برخی از این
اقلام در مقایسه با سال قبل
۴۵ تا ۱۰۰ درصد افزایش
یافته است.
این گرانی سرسام آورده
تنها برای طبقات و اقشار کم
درآمد توان فرساست، بلکه
برای مردم با درآمد متوسط
ثابت نیز کمر شکن است،
زیرا برای تهیه کالاهای مورد
نیاز اولیه خود هر روز باید
نسبت به روز پیش، پول بیشتری
بپردازند.

در سراسر کشور ارتش
بیکار و وجود دارد، که با درآمد
های ناچیز اتفاقی، شک خود و
خانواده خود را نیمه‌سیر میکنند
میلیونها کارگر وجود دارند، که
نه تنها حداقل دستمزد آنها (ما-
هانه ۱۷۰۰ تومان) برای نیمی
از هزینه ماهانه یک خانواده کارگر
هم کافی نیست، بلکه حداقل
دستمزد کارگر آن هم نمیتواند هزینه
ماهانه یک خانواده ۳-۴ نفری
را تکافو نماید. میلیونها دهقان
زحمتکش با درآمد ناچیز خود
از خرید برنج یک کیلو ۱۶ تومان
و گوشت کیلویی ۲۵ تومان عاجزند
سدها هزار کارمند کم درآمد
دولت و خانواده‌های مستمر بگیر
کارگری و کارمندی وجود دارند،
که دریافتی‌های آنها در برابر
هزینه کمر شکن زندگی‌های ناچیز
است. این اقشار و طبقات زحمتکش
میتوانند با ایجاد از مصرف میوه
که بهای آن سه برابر شده است،
صرف نظر کنند، اما نمیتوانند نان
و پنیر و روغن و عسل و آبگوشت را از
برنامه غذایی خود حذف کنند،
زیرا این حداقل است و نمیتوان
اصلا نخورد و به زندگی خود ادامه
داد.

در چنین شرایطی که فریاد
مردم از گرانی به آسمان رسیده،
دولت هیچ برنامه‌ای برای
مبارزه با گرانی در دست ندارد.
همانطور که ما پاره‌ها و پاره‌ها
نوشته‌ایم، ریشه این گرانی شکست-
ناکیز را باید در وابستگی
اقتصادی کشور به سرمایه داری
جهانی جست، که ارثیه شوم رژیم
شد ملی پیشین است.
دردوران پس از انقلاب، یکی
از نخستین وظایف مسئولان امر
آن بود که در راه قطع پیوندهای
اقتصادی کشور با امپریالیسم
فارتگر کام بردارند - که
بر نداشتند - و امروز امپریالیسم
امریکا، دشمن اصلی خلفای
ایران، با سوءاستفاده از این
وابستگی ما را تهدید به محاصره
اقتصادی میکند و اگرچه هنوز
برابر و توی اتحاد شوروی موفق
به اجرای آن نشده است، اما
اقدامات تزیینی اقتصادی خود را
به طرق مختلف ادامه داده است.
ملی کردن بازرگانی خارجی
و تجدید نظر جدی در مبادلات
خارجی کشور و نشان دادن کشوری
که با ماطر قدر بازرگانی برابر -
حقوق اند بجای کشور های
امپریالیستی که در پی غارت
درآمد ملی ما هستند، میتواند از
نخستین و مهمترین اقدامات دولت
برای مبارزه با گرانی باشد.
صرف نظر از گرانی، گرانی‌فروشی
نیز وجود دارد که دلیل عمده آن
بقیه در صفحه ۵

در قطعه نامه «کنفرانس اسلامی» کلمه‌ای هم علیه توطئه‌های آمریکا بر ضد ایران نیست

سخنکوی کنفرانس در پاسخ به این سوال که آیا حضور نظامی
آمریکا و شوروی در اقیانوس هند و منطقه مورد بحث قرار گرفته است،
گفت:
«این موضوع در بخش مربوط به رفتار بر کشورهای اسلامی
مورد بحث قرار خواهد گرفت، اما در دستور کار کنفرانس گنجانده
نشده است.»
پس می‌بینیم که حضور نظامی آمریکا در منطقه، که یک واقعیت
و خطریست که قبل از همه انقلاب ایران و استقلال و امنیت ما و همه
کشورهای منطقه را تهدید میکند، با آنکه حضور شوروی هم به دنبال
آن آمده است، در دستور کار کنفرانس قرار نمی‌گیرد. علت آن برای
ما و همه سازمان‌ها و نیروهاییکه بدرستی ماهیت و اهداف این
کنفرانس را تشخیص داده‌اند و آنرا به مثابه توطئه‌ایکه از جانب امپریالیسم
آمریکای روز پنهانی دست نشانده آن طرح‌ریزی شده و همورد اجرا
در آمده است، کاملاً روشن است، آمریکا و رژیم‌های وابسته به آن
کنفرانس تشکیل ندهند که در آن آمریکا به محاکمه کشیده
شود و اقدامات تجاوزی مداخله‌گرانه آن محکوم شود.
جالب توجه آنکه، ژنرال شاه‌الحق، هم‌پالکی شاه مخلوع،
که امروز به صف مهادفان اسلام و مسلمانان پیوسته، در سخنرانی
خود در نخستین جلسه کنفرانس، در مقام «ارشاد» شرکت‌کنندگان
در کنفرانس بر آمد. شاه‌الحق اظهار داشت:
«دخالت نظامی شوروی در افغانستان پیامد های درازمدتی
برای صلح و امنیت بین‌المللی خواهد داشت و منبع تکرانی بسیار
عمیق برای جهان، به ویژه جهان اسلام است.»
اما این ژنرال دست پرورده آمریکا که در مورد تکران‌های
عظیم‌جویی و در باایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند،
بقیه در صفحه ۵

«کنفرانس اسلامی» پیرو خط کارتر در اسلام آباد بکار خود پایان داد

کرده و در نامه اعتراضیه خود خاطر نشان ساخته اند:
«در اجرای این توطئه هدف آنستکه با کمک کشورهای
ارتجاعی با اصطلاح مسلمان اذسان مسلمانان و مستضعفین
جهان را از شناخت اسلام اصیل و توجه به ایران منصرف ساخته
نیروی آنانرا بر ضد کمونیسیم برانگیخته، نگذارند ملت‌های
مسلمان از زیر سلطه سرمایه داری مادی و ملحد غرب رها
گردند.»
سپاه پاسداران قم در بیانیه اعتراض آمیز خود به شرکت
در این کنفرانس خاطر نشان میکنند:
«با توجه به اینکه آمریکا در کلیه جبهه‌ها بر ضد انقلاب
رها گیش اسلام شکست خورده، در صدد است سه بهانه
مقابله با شوروی، اسلام اصیل را به کمک کشورهای ارتجاعی
با اصطلاح مسلمان، برنگ آمریکایی در آورد.»
این اظهارات نمایانگر ژرف اندیشی و واقع بینی و شناخت
صحیح از پدیده‌ها و رویدادها در رابطه با انقلاب ایران و توطئه‌ها
و تحریکاتیکه از جانب امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست نشانده
آن در منطقه علیه این انقلاب انجام میگردد، روند کار کنفرانس و
سخنان نمایندگان در آن و قطعه نامه تسویب شده درستی این نظریات
را تأیید کرد.
در اظهارات وزیران امور خارجه کشورهای دست نشانده
آمریکای کنفرانس، از تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی آمریکا
در منطقه، از محاصره اقتصادی و دریائی ایران توسط آمریکا تهدید
ایران به مداخله مسلحانه نه تنها سخنی بمیان نیامد، بلکه بسیاری
از نمایندگان، از قبیل نماینده عربستان سعودی، عمان، تونس و
پاکستان در سخنان خود جرات نکردند حتی نام آمریکا را ذکر
کنند.

کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای
اسلامی که روز هفتم بهمن ماه کار خود را در اسلام-
آباد آغاز کرده بود، به کار خود پایان داد. آقا شاهی
وزیر امور خارجه پاکستان، ریاست کنفرانس، وزیران
امور خارجه تونس و مراکش معاونت ریاست این
کنفرانس را عهده دار بودند.

حبیب شکلی، دبیر کل کنفرانس ملل اسلامی، در اسلام
آباد، از همان آغاز اعلام کرد:
«بدون شک در این کنفرانس مسائلی مثل تحریم بازبهای
المبیک در مسکو و قطع روابط دیپلماتیک بین جهان اسلام و شوروی
مورد بحث قرار خواهد گرفت.»
آقا شاهی مشاور دولت پاکستان در امور خارجی، که ریاست
این کنفرانس را عهده دار شده بود، طی سخنرانی خود در جلسه کنفرانس
با تأکید گفت:
«تجاوز نظامی به افغانستان و عواقب آن برای صلح و امنیت
جهانی و همچنین بی‌آمدهای ادامه اشغال بیت المقدس و ملت فلسطین
دو مسئله اصلی است که در این کنفرانس باید مورد رسیدگی قرار
گیرد.»
اعلام برنامه کار کنفرانس از جانب آقا شاهی وزیر امور
خارجه پاکستان و قطعه نامه‌ای که در این کنفرانس به تصویب رسید،
با نظر آقای قطب‌زاده، وزیر امور خارجه ایران، کاملاً مغایرت دارد.
آقای قطب‌زاده در گفتگوی خود با سادای جمهوری اسلامی ایران،
در توجیه شرکت نمایندگان ایران در این کنفرانس، ادعا کرد:
«... و مضافاً بر این یک برنامه تازه هم، در دستور کار کنفرانس
قرار داده شده است و آن عبارتست از مسئله تحریم اقتصادی
ایران از سوی کشورهای امپریالیستی و در راس آن آمریکا.»
آقای قطب‌زاده افزود، «این سفر در جهت اجرا و حفظ
استقلال ایران است.»

ماجرای توطئه «تبریز - مکزیک» و در پی آن صدور
اعلامیه اعتراض آمیز وزارت امور خارجه علیه دولت شوروی،
ادعای «تمرکز نیروهای زرهی شوروی در مرز افغانستان و
ایران با آرایش حمله بر تصرف منابع نفت» و سرانجام «مکالمه
للفنی ایشان با رئیس جمهور پاناما و انتشار اعلامیه در مورد
بازداشت شاه مخلوع» و اینک جریان کار کنفرانس اسلام آباد
و قطعه نامه‌ایکه به تصویب شرکت‌کنندگان در آن رسید، نشان دهنده
آنست که تصمیمات و اقدامات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی
ایران به نفع یک‌اندزایی واقع بینانه و اصولی و بر اساس اطلاعات
موقت انجام میگردد، بلکه پایه این تصمیمات را همان فرضیات و
نظریات و بر خورد های ویژه آقای صادق قطب‌زاده نسبت به مسائل و
رویدادها تشکیل میدهند.
در ضمن تصمیم به شرکت ایران در کنفرانس وزیران امور
خارجه کشورهای اسلامی در پاکستان در حالی اتخاذ گردید و در توجیه
آن اسرار و رزیده شده تشکیل این کنفرانس و شرکت نماینده
جمهوری اسلامی ایران در آن بحق با واکنش منفی و ارزیابیهای
واقع بینانه از جانب افکار عمومی مردم و سازمان‌های اجتماعی کشور
روبرو گردید.
از جمله در اعلامیه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام،
که به نشانه اعتراض بشرکت نماینده ایران در این کنفرانس انتشار
یافت، گفته میشود:
«شرکت ایران در این کنفرانس آمریکایی نداشتند پس
نهادن در توطئه‌ها و طرح‌های سلسله وار و زنجیرهای آمریکا
علیه انقلاب ایران بمنظور جلوگیری از انفجار و انقلابهای
متعاقب آن در منطقه است.»
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در نامه سرگنده‌ای
ضمن تحریم کنفرانس اسلامی پاکستان، شرکت ایران در کنفرانس
پاکستان را، شرکت در توطئه آمریکا توصیف کرده است.
طلاب حوزه علمیه قم بشرکت در این کنفرانس اعتراض

با ماهیت «رئیس دولت افغانستان آزاد (!)» آشنا شوید

شیخ‌خان نصری، که دولت
با اصطلاح آزاد افغانستان را تشکیل
داده است، ماه پیش در مصر با اتوب-
سادات و دیگر رهبران خائن مصر
مذاکراتی پیرامون کمک‌مصر به
گروه‌های افغانسی انجام داد.
دیدار نصری از مصر با دیدار
بکین از این کشور همزمان شد
و در همان نوبت نیز گفته شد که نصری
محرمانه با بکین سهیونست و
سرپرده امریکا در مصر مذاکره
کرده است. دو هفته پیش نصری
در مصاحبه با هفته‌نامه آلمانی
اشپگل تأکید کرد که مصر در
خاک خود برای گروه‌های افغانی
پایگاه تشکیل داده است. کمال
حسن علی، وزیر دفاع مصر، نیز
چند روز پیش رسماً گفته بود که
در پی مذاکره با نصری، عده‌ای
از افغان‌ها در مصر آموزش
می‌بینند.

بار اول که آقا شاهی به ایران آمد

آقا شاهی رئیس کنفرانس اسلامی پاکستان روزی به دست بوس طاغوت رفت
که در خمین شاه در ۲۳ شهر مردم مسلمان ایران را کشتار میکردند. آقا شاهی
در همان روز با شاه خائن پیمان «کمک به مسلمانان افغانستان» را بست
صفحه ۶



بزرگداشت انقلابی بزرگ دکتر تقی ارانی

روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه، ساعت ۵ بعد از ظهر
مراسمی برای بزرگداشت انقلابی بزرگ دکتر تقی
ارانی در سالن ورزش دانشگاه صنعتی برگزار میشود.
از اعضاء و هواداران حزب و همه عناصر میهن دوست
و ترقیخواه دعوت میشود که در این مراسم شرکت
جویند.

نمایشگاه
به یاد
ارانی

از تاریخ ۱۰ تا ۲۰ بهمن هر روز از ساعت ۳ تا ۷ بعد از ظهر
نمایشگاهی به یاد دکتر ارانی، رهبر زحمتکشان ایران، در دانشگاه
صنعتی شریف، محوطه تالارها، برقرار است.
از کلیه علاقمندان دعوت می‌کنیم که از این نمایشگاه دیدن
کنند.
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

لست ساواکی ها را منتشر کنید!

ناه سرگشاده کانون دانش آموزان ایران به وزیر آموزش و پرورش، معلمان، دانش آموزان و مردم ایران

سال تحصیلی نیمه دوم را آغاز میکنند، اما در اکثر مدارس شوراهای هماهنگی که مبنایستادار امور مدرسه را عهده دار باشد (بمنظور اداره مدرسه و رفع مشکلات داخلی آن موسسه و دیگر وظایف آن) تشکیل نشده است. لزوم تشکیل شورا و چگونگی کارکرد آن بحثی بود که در همان ابتدای سال تحصیلی بین دانش آموزان و مسئولین آموزش وجود داشت و همه بر ضرورت و بر بودن اجرای این نهاد مردمی متفق بوده و هستند. علاوه بر این چند ماه پیش طرح اداره امور تربیتی از سوی آموزش و پرورش نیز به مدارس ابلاغ شد و وزیر آموزش و پرورش بر حسن اجرای این طرح تاکید کرد. صرف نظر از حسن اجرای آن، متأسفانه این طرح هم در اکثر مدارس نه تنها به مرحله عملی نرسیده، بلکه حتی فراموش شده است. در حال حاضر اکثر دانش آموزان و دبیران به علت عدم تشکیل شوراها و یا خرابکاری بعضی مسئولین در اجرای آنها نسبت به این ساله مهم و حیاتی دلسرد شده اند و فعلاً در آن شرکت نمیکند. در برخی مدارس حتی از شوراها بیخبرند و نمی آید در برخی دیگر در حد يك گرد هم آیی دانش آموزی خاتمه می یابد و تنها در تعداد انگشت شماری از مدارس شوراها به شکل صحیح و اصولی مشغول به کار هستند.

چرا شوراها در مدارس پا نگرفت؟ به چه دلیل کار شوراها هنوز آغاز نشده، به بن بست کشیده شده است؟ علتها مختلف است. در بسیاری از مدارس علیرغم تاکید طرح ارائه شده از سوی آموزش و پرورش بر تشکیل شوراهای هماهنگی مدیران مدرسه و دیگر مسئولین آموزش در مدرسه، از تشکیل این شورا جلوگیری بعمل آورده و در نهایت به تشکیل شوراهای دانش آموزی رضایت داده اند. آنجا که تنها نهاد ذیصلاح که بتواند همه جانبه به حل مشکلات دانش آموزان و بطور کلی حل مشکلات مدرسه و اداره هرچه صحیح تر آن کمک رساند، همان شورای هماهنگی است. در نتیجه شورای دانش آموزی عملاً تا بحال نتوانسته به تنهایی کاری انجام دهد و همین باعث دلسرد شدن بسیاری از دانش آموزان از کار شوراها و نمایندگان خود شده است. در بسیاری از مدارس «نماینده اداره امور تربیتی» در کار شورا دخالت می کنند و یا ایجاد تفرقه و دودستگی در بین دانش آموزان، مانع از کار اصولی شوراها می شوند. نشانه های زیادی از دخالت های بی مورد مسئولین امور تربیتی در مدارس دیده شده است. در بعضی از مدارس نمایندگان دانش آموزان بجای بازگو کردن

مجاهدین خلق حمله به دفاتر خود را محکوم کردند

روزگفته طی يك راه پیمائی از طرف سازمان مجاهدین خلق ایران، که هزاران نفر در آن شرکت کردند، این سازمان، حمله عناصر ضد انقلاب را به دفاتر خود محکوم و نسبت بدان اعتراض کرد.

طرح ضربتی نیروی هوایی برای سرنگونی خونین حکومت خلق در افغانستان بموقع خنثی شد

کمکهای اتحاد شوروی نقشه تهاجم امپریالیستی را غیر قابل اجرا ساخت. «نویزوریشه تاتونکه»، روزنامه سوئیس، نقشه های وسیع يك تهاجم امپریالیستی را برای سرنگونی قدرت خلقی در افغانستان، که طی آن با يك برنامه ضربتی، اشغال کابل و دیگر شهرهای کشور تدارک شده بود، فاش کرد. روزنامه می نویسد: «دسته های متشکل ضد انقلابی با کمک های مستقیم مالی و آموزش نظامی آمریکا، چین و دیگر قدرتها در میدان های مشرق، در خارج از افغانستان تعلیم دیدند. این دسته ها قصد داشتند در ماههای ژانویه و فوریه (دی و بهمن) از طریق هوا رژیم کمونیستی را برای همیشه نابود سازند. این روزنامه تهاجم امپریالیستی را علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان يك «طرح بزرگ» نامیده است که اجرای آن به علت کمک های فوری اتحاد شوروی بسیار دشوار خواهد بود. افشای جنجال انگیز توسطه دستجمعی نیروهای امپریالیستی و باندهای ضد انقلابی، که خطری جدی برای تداوم صلح جهانی داشت و با اقدام قاطع نیروهای انقلابی افغانستان و کمک اتحاد شوروی خنثی گردید، بشرح زیر در این روزنامه تشریح گردیده است: «هم شوروی و هم افغانستان بارها به دولت پاکستان در مورد حمایت از شورشیان افغانی در منطقه شمال غربی این کشور اخطار نمودند. در مورد اردوگاههای آموزشی در خاک پاکستان تردیدی وجود ندارد، زیرا امروز دیگر فقط منابع کمونیستی نیستند که از وجود آنها سخن میگویند. حتی شورشیان با کمال افتخار از کمک های مالی و آموزشی و نظامی آمریکا و چین و نیروهای اسلامی سخن میگویند. اینطور بنظر میرسد که طرح بزرگ به علت دخالت شوروی فعلاً غیر قابل اجرا شده باشد. قرائن نشان میدهند که تعداد کثیری چتر بازان قصد داشتند بر فراز کابل و دیگر شهرها، که هنوز بعنوان پایگاه دولت به شمار میروند، در طی ماههای ژانویه و فوریه فرود آیند و رژیم کمونیستی را برای همیشه نابود سازند. ولی اینکه هواپیماهای لازم برای این کار از کجا میبایستی تامین شوند، در این باره آگاهانه سکوت میشود.»

تلاشهای مؤسسه جاسوسی انگلیس برای نجات «آزادی»

يك موسسه جاسوسی انگلیس برای دفاع از «آزادی» از نوع «دنیای آزاد» نامه هایی را برای اشخاص، مقامات و سازمان های مختلف، فرستاده است. در نامه ارسال شده این موسسه که Intelligence International نام دارد و مقر آن در لندن است، آمده است: «موسسه ما سالهای زیادی است که در مورد شوروی و تهدید آزادی به شما اعلام خطر کرده است برای رهایی از این خطری باید کاری کنیم که مادر چنگک اطلاعاتی علیه شوروی بیرون بدهد. مسئولین این موسسه ضمن طرح سه سوال مهمی بر اینست: ۱- آیا می خواهم که سیستم آزاد برقرار باشد؟ ۲- آیا مشتاق آن هستم که ماشین تبلیغاتی کمونیست خلع سلاح شود؟ ۳- آیا می خواهم خانواده ام در جامعه ای مناسب و آزاد بالذت و خوشی زندگی کنند؟ در نامه از خواننده خواسته شده که برای رسیدن به این خواسته ها با فاصله وارد عمل شود. در این دلیلهای خواسته نامه آمده است: «اطلاعاتی علیه شوروی و این دروازه دادن کمک مالی از طریق گریه نامه یادداشت او عنوان شده است. آیات مقامات مسئول از این فالیتهای مخرب اطلاع دارند؛ آیا اقدامی برای جلوگیری از این تحریکات و سمپاشی ها بعمل آورده اند؟»

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

آقای اصغر ۱۵۰۰ ریال توجیه از همه دوستانی که به هریک از حسابهای بانکی حزب توده ایران وجهی وارز می کنند، خواهشمندیم توجیهی رسید بانکار برای ما ارسال دارند

توبه امپریالیسم آمریکامرگ است

برای توجیه آنهایی که روی «قول» آمریکا در مورد پایان دادن به سیاست امپریالیستی آمریکا در ایران حساب می کنند، نقل می کنیم که: بعد از صدور اعلامیه شورای انقلاب در مورد اخراج خبرنگاران آمریکایی، روز شنبه ۲۵ دی ماه خبرنگاران آمریکایی خبرگزاری های ای. بی. سی. وان. بی. سی. وی. ای. بی. سی. که قبلاً از ساختمان پخش استودیوی پهناد و از طریق ماهواره، خبرهای تلویزیونی خود را می فرستادند، برای جمع آوری وسایل کار به ساختمان پخش تلویزیون رفتند. اما این حضرات در آخرین لحظات نیز از شه زدن خودداری نکردند و یکی از آنان از جمع آوری

آرایش انقلاب و ضد انقلاب در شرایط کنونی...

نیستند. شعارهای «آزادی و ایران عزیز» هر دو در خطر است. «فلاترئیس آخوندی ما را تهدید میکند» آنها را جلب میکند. ولی در عین حال از رژیم گذشته و امپریالیسم خوششان نمی آید و به بیروزی انقلاب هم بی علاقه نیستند. نوسانگران بالاخره راه خود را در جهت راست یا چپ (بر حسب وضع اجتماعی و مقطع فکری خود) خواهند یافت و گامه «چپکن» یا «چپکن» را زمین خواهند نهاد. به آن بخشی که واقعا دچار گمراهی معصومانه است، باید از طرف نیروهای انقلابی کمک شود، تا سمت راست یا چپ تعداد اینها متأسفانه در همه قشرها زیاد است و هر حادثه ای آنها را سراسبه میکند. بقول مولوی: «چون کشتی بی لنگر کتر میشد و مژ میشد برخی از آنها حزب داند» و چشم براهند که بیروزی با کیست تا بدو رو آورند.

۴- نیروهای هوادار پی گیر (یاناپی گیر) انقلاب

همه بیرون خط امام، حزب توده ایران، جناح قاطع حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب، هواداران مشی طائفانی و شریعتی، جمعیت های وابسته به رجال مرفقی و میهن دوستی مانند دکتر کاظم سامی و دکتر ایمان، مجاهدین خلق، چریکهای فدایی خلق، جناحهایی از آن جمعیت های کوچک روشنفکری مانند «جنبش» بخشهای قابل ملاحظه ای از سازمان های مولود انقلاب (کمیته های امام، پاسداران، انجمن های اسلامی، دادگاههای انقلاب، بنیادهای انقلابی، جهاد سازندگی و غیره) که بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد مردم ایران را در بر میگیرند، در این سمت قرار دارند. ضد انقلاب و راستگرایان با تمام قوا سعی دارند در درون این نیروها سم ضد شوروی و ضد افغانی خود را تزریق کنند و تحت عنوان «دفاع از اسلام»، تمام این نیروی عظیم و قاطع را دچار تفرقه سازند و بخشهایی از آنرا بسمت راست بکشند. در این زمینه فعالیت سوزانی میشود. این نیروها به برکت رهبری با درایت و قاطع امام خمینی تا کنون توانسته اند نقش عظیمی در تحقیر و تداوم انقلاب و عقیم گذاردن توطئه های رنگارنگ ابقاء کنند. این نیروها خمیرمایه واقعی جنبه واحد خلقی اند، که خود باید به سر ره پشت «دیکراسی ملی» در ایران بدل شود، بنی جمهوری اسلامی را بمعنای ملموس و محسوس این گله بوجود آورد.

امپریالیستها سخت علاقمندند. این نیروهای راستگرا، که بشکل ساده شده ای، در جامعه «لیبرالها» معروف شده اند (واژه ای که همیشه درست نیست) بویژه وجود رهبری مذهبی و روحانی انقلاب را مستأثرین قرار داده، خود را ضد «فلاترئیس آخوندی» و طرفدار جانسوخه «تمدن» نشان میدهند و حال آنکه بخش مهمی از متحدین آنها خود در جامعه روحانی عمل میکنند و اتفاقاً جناح محافظه کار این قشر را تشکیل میدهند. احزاب و سازمانهای سیاسی متعددی مانند جنبه ملی، «جنبه دموکراتیک ملی»، «نهضت رادیکال»، «حزب ایران»، «جمعیت حقوق بشر»، «حزب جمهوری خلق مسلمان»، «نهضت آزادی» بطور عمده انزواهای سیاسی این نیروهای راستگرا بوده اند و هستند. البته ما ابتدا و ابتدا همه اعضاء این گروهها را با یک چوب نمیرانیم. افراد شریفی، ولی گمراه در همه جا پیدا میشوند. مثلا ما، بین انقلابی بزرگی مانند حضرت آیت الله العظمی شادروان سید محمود طائفانی که در «نهضت آزادی» هم عضویت داشته، با دیگر افراد علامت تساوی نمیکذاریم. یا حتی برای ما، سیدمسعودی بازگان، از رهبران سرشناس این حزب اخیر، با وجود همه موضعگیریهای سازشکارانه اش، بیچیزچه با عناصر خود فروغی های مانند امیر انتظام در يك صف نیست. پس روشن است که صحبت بر سر عملکرد عمده يك سازمان سیاسی است، نه اشخاص. اشخاص حساب جداگانه خود را دارند.

نیروهای راستگرا، که سخت خواستار تصرف نتایج و ثمرات انقلاب هستند، از طرف چپ نمایی که امام خمینی آنها را «چپ آمریکایی» نام نهاده، عملاً تقویت میشوند و عملاً در يك «کوبه» نشتند.

نیروهای راستگرا واژه شیرین «آزادی» را ورد زبان خود ساخته اند و با آن بیدان می آیند. این نیروها خود را ریاکارانه بیرو راه مصدق و عاشقان دلسوخه ایران می نامند، ولی عمل آنها بطور عینی خلافی راه مصدق و بزبان ایران است. در پس پرده زنبوزی دعای «خیلی مرفقی» آنها، سایه موجض ضد انقلاب کلاسیک دیده میشود و تعجب است که چطور افراد صادق آنها این واقفیت را نمی بینند!

۳- عناصر بیطرف و نوسانگر

عده ای در این میانه «گنجینه» و قادر به سمت یابی

بقیه از صفحه ۱ و خود این پشتیبانی نیز متکی بر اسلوب «اتحاد و انتقاد» است. هر قدر که بیگیری نیروی در جهت انقلاب بیشتر باشد، تکیه مایه اتحاد بیشتر است. از آنجا که امام خمینی را یکی از پشتیبانان بیگانه انقلاب ملی و دموکراتیک کنونی میدانیم، لذا در مورد شخص وی بر اتحاد تکیه می کنیم و با تمام نیرو در پیشرفت نظریات ضد امپریالیستی و خلقی او کوشا هستیم. پس از این توضیح مقدماتی، حال بیبینی این نیروهای چهارگانه، بطور مشخص، کیانند.

۱- ضد انقلاب

ضد انقلاب عبارتست از اعمال مستقیم امپریالیسم (بویژه و بطور اساسی «سمیای آمریکا»، «اینتلیجنس سرویس» و «فرمانسویزهای وابسته به انگلیس و عمل «موساد» اسرائیل و عوامل یکن) و نیز عمال ماسکدار ایرانی امپریالیسم، که چاکران رژیم گذشته بوده اند (مانند کارکنان ساواک، افسران شاهپرست، سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ، برخی از صاحب مقامان دولتمردان رژیم گذشته و سران برخی سازمانهای همکار امپریالیسم و رژیم در میان اقلیت های مذهبی). بعضی از این گروهها از ایران کوچیده اند، ولی عده ای باقی مانده اند و بیکار ضد انقلابی خود ادامه میدهند. این نیروی موثر و بسیار فعال، عیالنا درخفا عمل میکند و دارای وسائل فراوان کار و تأثیر است و به خطر آن ابتدا نباید کم بها داده شود. انتشارگری نسبت به این نیرو تاحدی شده، ولی هنوز ناقص است. علیرغم کوچ از کشور و پرازندانی شدن برخی از این افراد، علیرغم تعطیل ستاد مرکزی آنها و اشغال لانه جاسوسی، این نیرو هنوز فلج نشده است. ضربت خورده، ولی از صحنه خارج نگردیده است.

۲- نیروهای راستگرا

منظور ما از نیروهای راستگرا آن نیروهایی هستند که در گامه اول انقلاب (یعنی گامه براندازی استبداد) شرکت داشته اند، ولی اکنون در جناح راست قرار گرفته اند، زیرا «هدف اصلی آنها تنها استقرار «رژیم مشروطه» همراه با «کم کردن اختیارات انحصاری قهرمستاز بیرامون خانواده پهلوی» و «تیل به برخی آزادیهای لیبرالی و بورژوازی در چارچوب پارلمنتاریسم» و «دگرفتن برخی امتیازات محدود در معامله نفت - اسلحه از امپریالیستها» بوده است و بطور عمده به حفظ نظام سرمایه داری، ادامه روابط «دوستانه» با

در مطبوعات کشور

نظامیان سابق و اعضای ساواک به پاکستان فرستاده شدند

بیروت - تاس - به نقل از روزنامه الشعب چاپ بیروت بر اساس گزارشی که از پاکستان رسیده است نوشت: نظامیان سابق ارتش شاه و اعضاء ساواک که قبل از انقلاب برای آموزش به آلمان غربی اعزام بودند، اخیرا از آلمان غربی به پاکستان فرستاده شده اند در آنجا مشاوران امریکایی روش عملیات خرابکارانه را به آنها آموزش میدهند. این روزنامه می نویسد مقامات آلمان غربی درخواست رهبران ایران را برای بازگرداندن این افراد به ایران و تحویل آنها به مقامات دولت انقلابی رد کردند. اکنون ثابت شده است این افراد برای انجام فرامینی که از خارج می رسد کاملا مناسب و قابل استفاده هستند. این نهادگان اکنون در پاکستان هستند که در این گروههای تروریستی برای انجام عملیات خرابکاری تشکیل می گردد.

شورای کارکنان و سندیکاهای خطوط لوله و مخابرات: اسامی فرامسوخ ها و ساواکی های صنعت نفت را اعلام کنید

۴۰ تن از نمایندگان شوراهای کارمندی و سندیکاهای کارگری نفت در خطوط لوله و مخابرات سراسری ایران طی یک گرد - همانی خواستار اعلام اسامی افراد فرامسوخ و ساواکی صنعت نفت شدند. این گروه در همین جلسه خواستار پاکسازی در شرکت نفت و معلوم شدن صلاحیت افراد شده و اعلام کردند که کلیه انتصابات روسای مناطق و معاونین آنها باید با توجه به معیار شایستگی و تجربه زیر نظر سندیکا و شورا های کارکنان انجام شود. (کیهان، ۸ بهمن)

آیادستی در کار است که مهر سکوت بر لب دانشجویان خط امام زده است؟

مردم می پرسند در حالیکه سفارت آمریکا درباره یکایک سازمان سیاسی ایران تحلیل های ویژه ای داشته، چرا دانشجویان این تحلیل ها را منتشر نمی کنند تا مردم با ماهیت سازمان های گوناگون آشنا شوند. مردم می پرسند چرا دانشجویان در مورد نهادهای درون جوش انقلاب هیچ سخنی ابراز نمی کنند. چرا افشاکاری فقط به خط سازش و انبساط متلودر شد؛ پس حساب سایر گروهها و سازمان ها چه میشود. مردم می پرسند چه دست در کار است که مهر سکوت بر لبان دانشجویان میکوبد. مردم معتقدند اگر چنانچه تمام

ژاندارم های فرانسوی در خدمت عربستان سعودی برای سرکوبی جنبش آزادیبخش

به گفته روزنامه فرانسوی «لوپوان» نظامیان فرانسوی برای ختم فاعله شورشیانی که در نوامبر و دسامبر گذشته مسجد بزرگ مکه را اشغال کردند، به کمک مقامات عربستان سعودی شتافته اند. به گفته این روزنامه، بدینا درخواست کمک بسیار محرمانه سلطان خالد از یسکارستن، پنج کارشناس از سوی ژاندارمری ملی فرانس به مسجد الحرام فرستاده شده اند.

(بامداد، ۸ بهمن) و اما درباره نهانندگان مسجد الحرام، خالد بکتاش می گوید: صالح سعید، رهبر جنبش آزادیبخش عربستان سعودی چندی قبل در بیروت گفت: آنها برای آزادی و علیه رژیم ملک خالد تیرد میگردند و مسجد الحرام پناهنده شدند. (اطلاعات، ۸ بهمن)



آزادگان - ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸

رادیو تلویزیون باید خطش صدق و امانت و خالی از هر گونه حب و بغض باشد

در مورد اینکه مردم مسئولین رادیو تلویزیون را سانسورچی می دانند و فرق سانسورچی و خود سانسور را جهت الاسلام جتنی گفت، به این دلیل رادیو تلویزیون را سانسورچی می گویند که یکسری موارد پیش می آید و افراد هم می بینند که در نقل اخبار و پخش بطنی از مسائل و گزارشات و اخبار دیر منتشر می شود. مسائل خیلی بزرگ را کوچک جلوه می دهد و خبرهای کوچک را خیلی بزرگ می کند و یا اصولا یک خبر بزرگ که در شهر اتفاق افتاده به هیچ عنوان در مورد آن صحبت نمی شود، حتی به عنوان یک خبر هم در لایه های اخبار گفته نمی شود و معمولا حب و بغض، مسائل شخصی، کینه ها و دشمنی های شخصی در موقع پخش اخبار از رادیو تلویزیون دیده می شود. رادیو تلویزیون باید خطش صدق و امانت و خالی از هر گونه حب و بغض و راه صحیح انقلاب اسلامی باشد و با مردم و متمسک کننده نظریات مردم باشد و به مردم دست بگوید. (آزادگان، ۷ بهمن)

نابودی فنودالینسم، یکی از پایگاه های امپریالیسم را فرو می ریزد

حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جامعه امروز ما در گرو حل مسئله زمین می باشد. شورای کشاورزی تهران یکی از نهادهای ضد انقلابی ساختگی و جعلی است که بنام دهقان و کشاورز فعالیت می کنند. اصلاحات ارضی باید زمینه ساز رشد و توسعه بخش کشاورزی گردد. لازم است که دولت و مسئولین امر با شدت و قاطعیت بیشتری در مقابل مالکین برخوردار شوند. (جمهوری اسلامی، ۷ بهمن)

اسناد جاسوسخانه منتشر گردد خواهند آورد این است که تکلیف انقلاب در مقابل توطئه های گوناگون خود را در مقابل این همه حزب و روئین تن شده و بسیاری از این سازمان و گروه رنکارتک خواهند توطئه ها خود بخود خنثی خواهد نمید. ولی دانشجویان همچنان که خود را از سازمان های ظاهرا ضد انقلابی و امپریالیستی که ماهیت ضد ملیشان برای مردم روشن خواهد شد و باقی مانده است. حداقل چیزی که مردم به دست

صنعت دخانیات ایران (۲)

شرایط نامساعد کار در شرکت دخانیات ایران

که باعثه علاقه و دلسوزی که در کار دارند، از نظر صلاحیت تجربی و تخصصی، نمی توانند چنین مسئولیت خطیری را عهده دار باشند.

در ساختمان مهد کورک ۴۰ کوک ۳ تا ۵ ساله نگاهداری می شوند و این بدان معنی است که بسیاری از مادران شاغل در دخانیات اعتماد ندارند کودکان خود را به چنین محلی بسازند. در هر حال، یکی از خواسته های مردم کارگران، خاصه مادرانی که در سالنهای کار از بابت بچه های بی سرپرست خود دلواپس هستند، این است که اولیای شرکت در ایجاد یک مهد کودک واقعی و بشراپی مساعد هر چه زودتر اقدام لازم بعمل آورند.

پاکسازی محیط کار

اسامی ساواکی ها در دخانیات اعلام نشده است. کمیونی که برای این منظور تشکیل شده، و چندین اعضاء آن تغییر کرده است، به دلایلی که ناشی از عدم قاطعیت مدیران موسسه است، هنوز کاری انجام نداده و ظاهرا برنامه ای هم ندارد. هنوز کارکنان و عوامل کم و بیش شناخته ساواک پرسرکارند. جلب توجه است که «ایلیاری» معروف که بخاطر رشوه های کلان و دزدیهای چند میلیون تومانی اش اخیرا به زندان افتاده تا چند سال پیش رئیس یکی از دوایر موثر این موسسه بود. کارکنان شرکت معتقدند که هیچ دلیلی وجود ندارد که امثال «ایلیاری» از کار در شرکت برکنار شده باشند، چون در این موسسه پاکسازی محیط صورت نگرفته و طبعا شرایطی که «ایلیاری» را می پروراند و نگاه می دارد و به منب می رساند، کم و بیش برقرار است.

اولیای شرکت دخانیات امر مهم پاکسازی را به نحوی نمکوس فبیده و عمل می کنند. هم آنها بیشتر معروف آن است که میباید یک دکمنیست و یک واحد اداری یا فنی این موسسه روی کار بیاید و هیست اداری و به اشتغال کند. این حساسیت ناپجا و غیر منطقی آقایان تا آنجا تاثیر کرده است که بسیاری از عناصر مترقی، فعال، کاردان، درستکار و مووم به انقلاب اصیل ایران را با پرچم «کمونیست» کنار می گذارند و یا لاقیل، با استفاده از یک شبکه خبررسانی خودمانی، جوی ناساعد و خفتان آور برای این گونه افراد بوجود می آورند. در چنین جوی عوامل باقیمانده ساواک و عناصر ناپاب و کینه پرست و ضد انقلابی ریش می گذارند و با خیال راحت به فالیتهای خود ادامه می دهند و همین فالیتهاست که هیست مدیره شرکت را در اجرای برنامه پاکسازی محیط و اقدامات انقلابی دیگر دچار تردید و ترس کرده است! چنین وضعی در ارتباط شورای کارکنان و سندیکای کارگری تاثیر منفی و ضدانقلابی خود را بجا نهاده است.

سندیکای کارگری و شورا

در چنین جو آشفته ایست که یک سال پس از پیروزی انقلاب ایران، کسانی که در زمان شریف امامی و ازهارلی و در «انتخابات» فرمایشی سندیکایی به عنوان «اعضای هیست مدیره سندیکای کارگران» به این مردم زحمتکش تمیل شده اند، هنوز خود را «هیست مدیره سندیکای» می دانند. و به همین مناسبت از هیچگونه دخالت و تفرقه - افکنی فروگذار نمی کنند. کارگران دخانیات تاکنون چندین درخواست کرده اند و طوهارا نوشته اند و مکرر به مراجع مسئول مراجعه کرده اند که انتخابات هیست مدیره سندیکا تجدید شود و این عناصر مزاحم طافونی و تحمیلی برکنار شوند. تا مسافانه نه مسئولان دخانیات به این خواست منطقی و مشروع کارگران توجه دارند و نه وزارت کار به وظیفه قانونی خود عمل کرده است. در مورد شورای کارکنان دخانیات نیز وضع بترتری است که افراد معینی با تفرقه اندازی و دستبندی و بهانه تراشی مانع از آن شده اند که کارکنان زحمتکش دخانیات در انتخابات نمایندگان مشوراه وحدت نظر و اتحاد عمل داشته باشند. بدین است که مسئولان شرکت هم بی میل نیستند که این وضع ادامه یابد و از «مزاحمتها» فارغ باشند. در حالیکه وظیفه انقلابی هر یک از مدیران و مسئولان دستگاه های دولتی این است که با ارشاد و راهنمایی های خود و با ایجاد تسهیلات لازم، زمینه وحدت فکری و عملی کارکنان را در امر تولید و خدمات فراهم سازند و با این اقدام خود گامی به سود انقلاب ایران بردارند.

بازنشستگی کارگران

محیط کار آلوده و غیر بهداشتی در تاسیسات صنعتی و انبارهای توکون در مرکز و شهرستانها (ازبیه، رشت، ساری، گرمان، اسفهان، سقز، برارجان و نقاط دیگر) به صورتی است که کارگران زحمتکش این موسسات و کارخانه های مشابه زودتر از کارگران دیگر نیروی کار خود را از دست می دهند، و چه بسا قبل از رسیدن به بازنشستگی از پای درمی آیند. با توجه به این حقیقت است که شرایط بازنشستگی در مورد این گونه کارگران باید مساعدتر باشد. در حالیکه حتی در قانون تجدید نظر شده وزارت کار، کارگرانی بازنشسته می شوند که یا به سن ۶۰ سالگی برسند و حداقل ۵ سال حق بیمه پرداخت کرده باشند، یا سی سال حق بیمه داده باشند. به این ترتیب، بازنشستگی، برای اعضاء از کارگرانی که تاریخ رسیدن به این مرحله دوام می آورند، یعنی رسیدن به آخر عمر، و در بدترین شرایط، یعنی رسیدن به مرحله ای از زندگی، که تا مرگ زودرس چندان فاصله ای ندارد. تجدید نظر اساسی در مقررات بازنشستگی از نظر سالیان عمر، مدت خدمت و مدت پرداخت حق بیمه و سایر شرایط، از خواسته های مردم، اساسی و برحق کارگران دخانیات است که باید مورد توجه و اقدام فوری وزارت کار قرار گیرد.

اولیای شرکت دخانیات ایران، فقط با تکیه بر صداقت و هشایر انقلابی کارکنان زحمتکش شرکت، با طرد قطعی روحیه تردید و محافظه کاری و بربرنامگی است که می توانند خود را همگام با انقلاب ایران بدانند و در خط ضد امپریالیستی و خلتی امام خمینی قرار گیرند. توجه به خواسته های منطقی و مشروع کارکنان و اقدام به تأمین آنها نخستین گام جدی است که باید در

تجهیزات ایمنی درمانگاه و بهداشت

در کارخانه های بزرگ سیگار سازی ایران و کارخانه های وابسته به آن، در مرکز و شهرستانها، با همه سرمایه گذارهای کلان و دستگاه های فنی مدرن که در آن بکار رفته است، از تجهیزات ایمنی برای پیشگیری سوانح خبری نیست. و نیز امکانات درمانی به صورتی که در دسترس کارگران و کارمندان شاغل در این موسسات باشد، وجود ندارد. به عنوان نمونه می توان یادآوری کرد که چندی قبل یکی از کارکنان شرکت دخانیات ایران، که عضو اداره به اصطلاح «رفاه کارکنان» هم بود، در پشت میز اداره دچار لاراحتی قلبی شد که چون پزشک و وسایل اولیه درمان (حتی گلاز اکسیژن) در دسترس نبود، قبل از رسیدن پزشک چنان سپرد و چنانچه او را از اداره بیرون بردند! یا مثلا دست کاری زیر دستگاه توکون خردکنی مانده، به شدت آسیب دید و چون آمبولانس حاضر نبود و پزشک به موقع نرسید، ناچار انتقالش را از دست داد.

از این وقایع دلخراش در این موسسه بزرگ کارگری، که فقط در تاسیسات مرکزی آن بیش از چهار هزار کارگر و کارمند کار می کنند، و بیش از این عده در واحد های صنعتی و اداری شهرستانها به کار اشتغال دارند، زیاد اتفاق می افتد. بی اعتنائی در قبال چنین سوانح، که عموما می تواند پیشگیری شود، ناراضی شدید کارگران را موجب شده است.

محل کار کارگران و کارمندان بکلی فاقد شرایط محیط مساعد کار است. چنانکه در ادارات مرکزی دخانیات، واقع در خیابان ایرانشهر، متجاوز از چهارصد کارمند در یک ساختمان محقر چند طبقه ای، در اتاقهای تنگ و تاریک و مرطوب، جای گرفته اند. صرف نظر از تنگی و تاریکی و رطوبت، یک حادثه کوچک، مثلا یک حریق اتفاقی در این ساختمان، جان همه را تهدید می کند؛ راه خروج منحصر به یک پله کان باریک است که در پیش و یک آسانسور چهار نفری - غالبا «خراب» - است! محل کارکنان در خیابان قزوین به مراتب نامساعدتر است.

در سالیان قبل، در محوطه مرکزی دخانیات، خیابان تروین درمانگاهی نسبتا مجهز وجود داشت که به ناراحتی های ناشی از کار و به بیماری های کارکنان و خانواده آنها می رسید. مدتی است این درمانگاه تعطیل شده است. کارکنان دخانیات می خواهند که تسهیلات درمانی مجددا در اختیارشان گذارده شود. چنین تجهیزات و تسهیلات درمانی می تواند در عین حال مورد استفاده خانواده های محرومی قرار گیرد که در این ناحیه جنوب شهر سکونت دارند.

شرایط نامساعد کار، خاصه در محیط کارخانه ها و انبارهای توکون به صورتی است که کارگران را به انواع بیماریها - سل، آسم، رماتیسم، و آدریس و بیماری های دیگر - مبتلا می کند. وضعیت کنونی به قدری است که کارگر بیمار، ناچار است به کار ادامه دهد. بدی تغذیه و آلودگی محیط کار نیز به توسعه انواع این بیماریها کمک می کند. کارکنان دخانیات از اولیای شرکت می خواهند قرضی به حدت که سالانه یک یا دویار معاینه پزشکی همگانی، بخصوصی از نظر بیماری سل و سایر بیماریها در مورد آنان اجرا شود، تا موقع پیشگیری های لازم به عمل آید، و ضمن شرایط محیط کار به صورتی اصلاح و پاکسازی گردد که امکان بروز این قبیل سوانح و بیماریها به حداقل کاهش یابد.

سواد آموزی

مبارزه با بیسوادی در شرکت دخانیات در سالیان گذشته، مانند همه سازمانهای دولتی، یک ظاهر سازی بیش نبود. و همین است که در رژیم خفقان شاه مخلوع کسی انتظار نداشت که سواد آموزی به گونه ای جدی و موثر اجرا شود. ولی حقیقت این است که در این یک سال پس از پیروزی انقلاب نیز کار سواد آموزی کارگران به همان روند طافونی ادامه دارد، و حال آنکه هنوز ۷۰ درصد کارگران دخانیات، از زن و مرد، بیسوادند. شرکت دخانیات ایران، با همه امکانات مالی، تجهیزات و نیروی انسانی که در اختیار دارد، می تواند و باید، در اجرای فرمان تاریخی امام خمینی، سازمان بزرگ و مجهزی برای اجرای برنامه سواد آموزی بنیان نهد، به گونه ای که نه فقط در مدتی محدود به کارگران بیسواد شاغل در آن موسسه سواد بیابند، بلکه در این زمینه برای نوده های محروم و بیسواد - که در این ناحیه از شهر منشاء خدمات می دهند - در نظر گرفته شود.

مهد کودک

در شرکت دخانیات ایران، سازمانی محقر و تومری خورده ای به نام «مهد کودک» وجود دارد، که در حقیقت ادامه ظاهر سازیهای «وران طافوت است. ساختمان «مهد کودک»، یعنی محلی که باید کودکان سدها کارگری زن شاغل در این موسسه را، در ساعات کار آنها، نگاهداری و مراقبت کند، وضعی رقت بار دارد. محل ساختمان در یکی از کوچه های فرعی خیابان قزوین، و دور از محل کارمادران، قرار دارد. وضع ساختمانی این محل نه تنها برای نگاهداری کودکان مناسب نیست، کذب آن آرد هم هست، محلی است محقر، در حال تخریب، تاریک و نامور! «مهد کودک» دخانیات با همه حساسیتی که دارد، فاقد سرپرست واجد شرایط است و اداره آن به دو کارگری سپرده شده است

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران کنفرانس پاکستان و شرکت ایران در آنرا قاطعانه محکوم می کند

از آنچه گفته شد بخوبی معلوم میشود که شرکت نمایندگان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس معلوم الحال است. چه در باره انقلاب ایران و با خط مشی امریالیستی و خلقی انقلاب ایران مناقات داد و آقاچای تأسف است که پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران، نمایندگان وزارت امور خارجه ایران انقلابی، در کنفرانسی که با اشاره قائلین ۲۰ هزار ایرانی وجود آمده شرکت کنند و در کنار نمایندگان رژیمهای مترع دست نشاندهای چون پاکستان، عمان، عربستان سعودی و غیره بنشینند.

براستی آیا وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ این سیاست، که آشکارا مغایر با خط امام و روح انقلاب ایران است، در جهت مخالفت با روح انقلاب ایران گام برنهد؟ یا اینکه در جهت تقویت روح انقلاب ایران گام برنهد؟

دانشجویان و کارکنان امریالیست پاکستان با شرکت ایران در کنفرانس امریالیستی پاکستان با لاف و تملق و وعده و وعاس صادق انقلابی بالاتفاق و قاطعانه آن را محکوم کردند. حزب توده ایران، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، مجاهدین انقلاب اسلامی، طلاب حوزه علمیه قم، انجمنهای اسلامی دانشگاهها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قم، انجمنهای دانشجویان مسلمان و دهها سازمان، گروه و تشرفه معرق این کنفرانس و نیز شرکت ایران را در آن محکوم کردند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نیز قاطعانه این کنفرانس امریالیستی را محکوم میکند و آن را توطئه ای مستقیم علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران میداند. ماقاطعانه شرکت ایران در این کنفرانس را محکوم میکند.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
۱۳۵۸/۱۱/۹

امپریالیسم آمریکا بمنظور اجرای هدفهای تجاوز کارانه خویش در منطقه و مقابله با جمهوری اسلامی ایران و رژیم دمکراتیک افغانستان دست به دسیسه تازه ای زده است.

امپریالیسم آمریکا با دیگرگون جلوه دادن واقعیت موجود در افغانستان موفق شده است که نمایندگان رژیمهای ارتجاعی و دست نشانده خویش چون رژیم سلطان قابوس در عمان، رژیم ضیاءالحق در پاکستان، ملک خالد در عربستان، ملک حسن در مراکش و... را تحت عنوان کنفرانس اسلامی به «اسلام آباد» بکشد.

هدف این توطئه از همان آغاز مشخص بود. امپریالیسم آمریکا از یکسو می خواهد از طریق این کنفرانس با هر چه که در باطنش با مصالحه مسلمانان افغانستان و حیاوی تبلیغاتی بیامون آن، تدارکات جنگی گسترده خویش علیه جمهوری اسلامی ایران را زیر پوشش قرار دهد، از سوی دیگر به بهیستی ضد کمونیستی در میان کشورهای اسلامی دامن بزند و با قرار دادن آنان در مقابل اتحاد جماهیر شوروی، آنان را بخود نزدیک کند.

سازماندهی و تقویت عوامل ارتجاعی علیه رژیم مترقی افغانستان، مخلوط کردن مواضع انقلابی و ارتجاعی رژیمهای منطقه تحت این عنوان که همگی «اسلامی» هستند، و بالاخره سرپوش گذاردن بر اجرای قرارداد خانسانه کمپ دیوید و... از جمله هدفهای امپریالیسم آمریکا از راه انداختن این کنفرانس است.

مصادف شدن این کنفرانس با ۲۶ ژانویه روز باصلاح عادی کردن روابط مصر و اسرائیل نشان دهنده ماهیت ضد فلسطینی و ضد اسلامی این کنفرانس است.

امپریالیسم آمریکا باز دست دادن مواضع خود در جهان عقل سلیم راهم از دست میدهد

گویی حال، دیروز کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، طی سخنرانی که در آموزشگاه مسلی مارکسیسم - لنینیسم ایراد کرد، سیاست خارجی دولت کارتر و تبلیغات ضد شوروی و ضد کمونیستی را، که از جانب دولت دامن زده می شود، بشدت محکوم کرد. گوی حال گفت:

«امپریالیسم آمریکا با از دست دادن مواضع خود در جهان عقل سلیم راهم از دست میدهد. از دست دادن ایران - منبع نفت ایران - برای امپریالیسم آمریکا ضربه جدی بود. اما رویه ادعای افغانستان عقل سلیم را از امپریالیسم آمریکا سلب کرده است. اکنون امپریالیسم آمریکا با سهمای عربیان و بی-تقاب خود در برابر جهان تیان قرار گرفته است و پاتسب چاق بزرگ را بر دیگران میکشد و با توسل پدروغهای شاخدار تلاش دارد از پیشرفت امرای کوه پیکر جنبش انقلابی و رهائی بخش ملی جلوگیری کند، ولی این تلاشها به شکست و ناکامی محکومند، زیرا محال است

که بتوان چرخ تاریخ را به عقب بازگرداند.

رژیم جمهوری آمریکا، که همیشه داده بود هرگز بر مردم آمریکا دروغ نخواهد گفت، به رئیس جمهوری مبدل شده که در گذشته رئیس دادورهای شاخدار تشکیل میدهد.

دولت کارتر در تلاشهای مذکورانه خود برای جلب پشتیبانی متحدانش به اقدامات علیه اتحاد شوروی و مجازاتهای اقتصادی ایران با شکست روبرو شده است. آن دوران که امپریالیسم می توانست به تمام جهان سرمایه داری فرمان بدهد و جهان سرمایه داری را به اجرای این فرمان وادار سازد، مدت ها است که سپری شده است.

دولت آمریکا بر تعداد نیروهای مسلح و تسلیحات خود در سراسر جهان می افزاید، ناوهای

هوایمابرس هسته ای آمریکا به اقیانوس هند و خلیج فارس اعزام میشوند. در حالیکه بزرگترین ناو گروه آمریکا در آن منطقه شناورند، دولت کارتر برای ایجاد پایگاههای جدید در مصر، اسرائیل، سومالی و عمان کوشش میکند تا سپاه صد ده هزار نفری و ارتش سریع خود را در این منطقه پیاده کند.

کارتر مدعیست دکترین جدیدی در زمینه سیاست خارجی نقش چندی را ایفا میکند، اما این سیاست جدید نیست، بلکه ادامه افلاکتی است که همان سیاست کهنه است. همان سیاستی است که آمریکا به تجاوز چندین ساله خود علیه ویتنام ادامه داد و همان سیاستی است که دولت قانونی شیلی را سرنگون کرد و حالا میخواهد در ایران هم چنین



انور سادات آمریکا را دوست میداند و ایران را دشمن!

انور سادات، این خائن مزدور در افشانیهای جالبی کرده است. قسمتی از سخنان این پادوی آمریکا به این شرح است:

«آمریکا سرچشمه امنیت در جهان است و کشورهای اسلامی باید دوست خود را بشناسند و از کمترین کارتر حمایت کنند. اگر کشوری مورد حمله شوروی و یا ایران قرار گیرد و از آمریکا کمک بخواهد، مصر بیدریغ پایگاههای خود را در اختیار آمریکا قرار میدهد، سادات در قسمت دیگری از سخنان خود به رهبر انقلاب ایران شدیداً حمله کرد و گفت: «مخالفان پیمان کمپ دیوید خیانت و جاهلند!»

پایه بسادات گفت که آمریکا منبع امنیت برای مسون ماندن رژیمهای پویشالی و خائن از خشم توده هاست. اما این «منبع امنیت» نیز دیگر بیش از این نمیتواند منبئ مطمئن باشد زیرا نسیم آزادی خلقها اکنون به یک توفان تبدیل شده است و ساداتها و ضیاء الحقها و قابویرها و خالدها به زباله دانی تاریخ انداخته خواهند شد.

اما دموودر حمله سادات به ایران، افغانستان و مخالفان کمپ دیوید که همانا خلقهای سراسر جهان، بویژه خلقهای عرب هستند، باید گفت که حجاب سادات مامود است و معنودر.

پاکستان - پایگاه نظامی آمریکا

رژیم نظامی و سرسپرده ضیاء الحق، دیکتاتور پاکستان، که پیش از همه در باره افغانستان قویا وها هو برای برآه انداخته است. سرزمین پاکستان را در اختیار آمریکای قرار داده است تا آن برای تجاوز به کشورهای دیگر استفاده شود.

به نوشته هفته نامه انگلیسی «ایزور» بزودی هوایمابهای نظامی آمریکا در آنورهای نظامی در پاکستان شرکت خواهند کرد. به نوشته این هفته نامه همچنین قرار است کشتیهای جنگی آمریکا بطور منظم از بنادر پاکستان استفاده کنند. سدها کارشناس نظامی آمریکا نیز وارد پاکستان شده اند.

امریکا بودجه نظامی خود را برای اقدامات ضد انقلابی و ماجراجویانه افزایش میدهد

جمعی کارتر در ادامه سیاست آمریکا، که همانا افزایش تشنج در جهان است، از کنگره خواست که بودجه نظامی بیسابقه کشور را مبلغ ۱۲۲ میلیارد دلار تصویب کند.

کارتر که از هر فرصتی برای حمله به انقلاب ایران استفاده می کند، یکبار دیگر با وقاحتی که تنها از جیره خواران انصارات انتظار میرود، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را «تروریست» خواند و گفت که بخاطر «تروریسم» در ایران، و رویدادهای افغانستان آمریکا باید مبالغ عظیمی صرف امور نظامی کند.

امپریالیسم بدین ترتیب نشان میدهد که از گذشته درس نگرفته است و البته این بار نیز خلقهای منطقه خاورمیانه درسی تازه ای به یاد خواهند داد.

عملی را انجام دهد. همان سیاستی است که موجب پیدایش جنگه سرد شده است. مجموعه این سیاست معطوف است به اختلال و عدم ثبات در کشورهای سوسیالیستی و جلوگیری از جنبشهای رهائی بخش ملی در سراسر جهان

دموودر افغانستان این سیاست با ویرانگری، نفوذ و اجبر کردن و آموزش و مسلح کردن مزدوران و عناصر ضد انقلاب متجلی گردید، که بمنزله مداخله خشن و نقشی حاکمیت و استقلال خلق افغانستان است.

دین کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا سپهران چین را، که با تمام نیرو از سیاست ضد انقلابی و تجاوزگرانه امپریالیسم پشتیبانی می کند، مسوود انتقاد قرار داد. گوی حال گفت: رهبری چین به حلقه میان امپریالیسم آمریکا و تمام نیروها و عناصر ضد انقلابی در سراسر جهان تبدیل شده. رهبری چین به این نیروها اسلحه میدهد و آنهارا سازمان میدهد. در افغانستان هم رهبری چین چنین فالیستی داشت.

تشنج و درگیری در شهر کرد

ضد انقلاب همچنان به توطئه ادامه میدهد!

روزی یکشنبه ۱۳۵۸/۱۱/۷ عده ای از روستایان چهارمحال بدست ناآگاه، که از طرف ضد انقلابیون تحریک شده بودند، به اجتماع دیلمه های بیکار، که در آموزش و پرورش شهر کرد جمع شده بودند، حمله ور شدند. برخی از اهالی شهر و دانش آموزان که از بیکاران حمایت میکردند با چماق داران به نزاع پرداختند، بطوریکه تصادفی از طرفین مجروح و روانه بیمارستان شدند.

دیگری همان شب ادامه مییابد. شدت بحدی بود که پاسداران با گاز اشک آور و تیراندازی هوایی مجبور به مداخله گردیدند و ۵ نفر از اهالی دانی اسابت گلوله زخمی شدند.

روزنامه به طر فدراری از دیلمه های بیکار بته شد و مدارس به حالت تعطیل درآمد. حمایت کنندگان ملی قلمنماها و اعلامیهها حمله به اجتماع بیکاران دیلمه را محکوم کردند.

برای جلوگیری از برخورد شدید و بهره برداری بیشتر ضد انقلاب، تصادفی از دیربان شهریک هیئت ۷ نفری حسن نیت تشکیل داده اند و جهت رسیدگی به منازعه شروع به کار کرده اند.

همانگونه که حزب توده ایران بارها و بارها اعلام کرده است، بیکاری، زمینه مناسب برای سوء استفاده ضد انقلاب و ایجاد تحریکات و درگیریها بوده است. ضد انقلاب با استفاده از زمینه نارضایتی بیکاران، با تحریک نیروهای ناآگاه از دوطرف به تشنج دامن میزند و خود بهره میگیرد. هر چند مشکل بیکاری را به یکباره نمیتوان از میان برداشت، ولی دولت باید با اتخاذ تصمیمات جدی و فوری و اجرائی برنامه های زمان بندی شده، مردم را به حسن نیت خود آگاه سازد و در جریان تلاشهای خویش قرار دهد و بیسازگاریهای ضد انقلاب را برای تفرقه افکنی و ایجاد درگیری عقیم گذارد.

رئیس جمهوری سوریه : روابط دو جانبه را با اتحاد شوروی تحکیم خواهد کرد

آندره گرومیکو وزیر خارجه اتحاد شوروی در دمشق با حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه مذاکرات مهمی در باره مسئله خاورمیانه انجام داد. حافظ اسد و آندره گرومیکو اعلام کردند که موافقتنامه کمپ دیوید برای دائمی کردن اشغال سرزمینهای اشغال بوسیله اسرائیل و سرکوب خلق فلسطین امضاء شده است. همچنین اسد و گرومیکو تلاش امپریالیستها را که می خواهند تشنج ندائی را بر هم بزنند، محکوم کردند. اسد روش اصولی اتحاد شوروی را در خاورمیانه مورد ستایش قرار داد و گفت که سوریه روابط دو جانبه با اتحاد شوروی را تحکیم خواهد کرد.

روزنامه های عرب توطئه های آمریکا را افشا و محکوم میکنند

روزنامه های عرب همچنان در باره نطق اخیر کارتر، که در آن سیاست تجاوزکارانه آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس تشریح شده است، بحث می کنند.

در کویت روزنامه الرای العام اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا درصدد تصرف منطقه و کنترل بر میدانهای نفتی است.

الوطن نوشت که زخمهای ملت هائی که قربانی سیاستهای تجاوزکارانه آمریکائیدند، التیام نیافته است. در خاورمیانه، فلسطین و مصر از کشورهای هستند که فریب آمریکارا خوردند و ویتنام، لاوس، نیکاراگوئه و شیلی نیز نمونه های زنده تجاوز امپریالیسم آمریکاستند. الوطن نوشت که هیچکس فریب سخنان کارتر را نمید خورد، حتی هنگامی که کلمات زیبائی مانند امنیت، آزادی و صلح و آرامش را بکار میبرد.

الانباء روزنامه دیگر کویت نوشت، که کارتر میخواهد کشورهای منطقه دچار وحشت شوند و از آمریکا تقاضای کمک کنند. آمریکا تلاش میکند منطقه را دچار بحران هائی کند که سرانجام کشورهاى منطقه بهای آنرا می پردازند.

الانباء اضافه کرد که آمریکا از طریق وسایل ارتباط جمعی امپریالیستی در نظر دارد مبارزه علیه اتحاد شوروی را گسترش دهد و برای رسیدن به هدفهای شوم خود در نقش مدافع اسلام جلوه نماید. آمریکا که از اسرائیل علیه فلسطین حمایت می کند، ناگهان به سر نوشت اسلام علاقمند شده است.

روزنامه تشریح، چاپ سوریه، نوشت که جهان عرب نباید اجازه دهد که بصورت یک ایالات آمریکا در آید. روزنامه دیگر سوریه بنام الثورة نیز اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا نمیتواند توده های عرب را مغرب سازد و وادار به تسلیم کند.

ویتنام سوسیالیستی از کمک اتحاد شوروی به افغانستان پشتیبانی میکند

ژنرال جیاب، وزیر دفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام، دموودر هر گونه تجاوز تازه ماوتویست های چین به ویتنام هشدار داد و اضافه کرد که اگر چین جنگ دیگری را به ویتنام تحمیل کند، باید شکست شدیدی را در نسبت به دفته قبل بپذیرد.

خبرگزاری ویتنام ضمن بخش این سخنان ژنرال جیاب، متذکر شد که وزیر دفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام همچنین اعلام کرده است که این کشور کاملاً از کمکهای اتحاد شوروی به افغانستان، که در چهارچوب منشور سازمان ملل و برای دفع تجاوز و خرابکاری خارجی صورت گرفته، حمایت میکند.

حزب توده ایران از یک برنامه جامع بنیادی اصلاحات ارضی بهره دهقانان زمین و کم زمین مصممانه پشتیبانی میکند

توطئه ضد انقلابی

برای ایجاد کمبود دارو

مدیرعامل شرکت شرینگ و عدای از همکاری قبل از تجدید... های آمریکا سینی بر تحریم اقتصادی ایران، از ورود مواد اولیه برای تولید دارو برای شرکت دارو- بخش جلوگیری کردند.

یادآوری

اخیراً یکی از گروهک‌های مائوئیستی موسوم به «اتحادیه کمونیست‌ها» فهرست نامی از ساواکیها را منتشر کرده و مقدمه کوتاهی هم بر آن افزوده است.

رهنمون فرداها

(به حزب)

گل قاصد جهان روشنایی را پیام آور از افق آمد از شقایق زار ایثار از کوچهای بخون تپیده از مزاج آرزو با دستی پررهاورد، برای دوست با سینه‌ای پراز کین، برای خصم با پرچم سرفراز رهایی ابری باران زار درخشکال آرزوها لب تشنگان را چشمه نامردمان را دشنه شعر ظفر وشوق سفر پیامی از سرزمین به زردی نشسته چهره‌ها کلامی از عصیان شعله‌ها با عشق زلال وخشم پایدار امروز هم چون دیروز ای حزب من! رهنمون باش! رهنمون فرداها.

ژاله

مشاور سیاسی تیمسار مدنی با تهم همکاری با ساواک دستگیر شد

پریروز عبدالغنی سالمی، مشاور سیاسی تیمسار مدنی در امور عشاری، توسط سپاه پاسداران خرمشهر - آبادان، در شادگان، به همکاری با ساواک دستگیر شد.

سالمی که ۷ سال در آلمان غربی تحصیل میکرد، از اعضای فعال ساواک محله در خارج از کشور بوده است و میبازان بسیاری را برای ساواکشناسی و گزارش میده است.

سالمی پس از پیروزی انقلاب به ایران آمد و در پست مشاور سیاسی تیمسار مدنی در امور عشاری مشغول بکار شد. وی همچنین از عوامل توطئه گر در مناطق عشاری خوزستان در بین عشاری بوده است.

تیمسار مدنی همچنین سالمی را به ریاست کمیته سپاه پاسداران شادگان منصوب کرده بود و این فرد ساواکی، مسئول ستاد انتخاباتی تیمسار مدنی در انتخابات ریاست جمهوری ایران نیز بوده است.

آقای مدنی انتخابات

آریامهری را بهتر از انتخابات جمهوری اسلامی ایران میدانند

آقای مدنی در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته است که این بدترین انتخاباتی بوده که او طی سی سال مبارزه سیاسی‌اش دیده است. بدین ترتیب نظر آقای مدنی انتخابات آریامهری بهتر از انتخابات جمهوری اسلامی است. بنظر میرسد که این اظهار نظر نیازی به تفسیر نداشته باشد.

ارگان حزب کمونیست آلمان از رابطه نزدیک بین ساواک و سازمان جاسوسی آلمان غربی پرده بر میدارد

چندی پیش یک مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی در زندان اوین با حسن سنا، معاون ساواک انجام گرفت.

حسن سنا در این مصاحبه حقایق را بازگو کرد که نشاندهنده همکاری نزدیک سازمانهای جاسوسی آمریکا «سیا»، موساد اسرائیل، انجمن سرویس انگلیسی و سازمان جاسوسی آلمان غربی بود.

اخیراً روزنامه «اونزردتایت» ارگان حزب کمونیست آلمان در مقاله‌ای نکات دقیق‌تری از همکاریهای ساواک را با سازمان جاسوسی آلمان غربی فاش کرد. این روزنامه می‌نویسد:

سازمانهای جاسوسی آلمان غربی و ایران در زمان حکومت شاه همکاری بسیار نزدیکی با یکدیگر داشتند. وقتی چند سده قبل دانشجویان مقیم آلمان غربی از همکاری بین این دو سازمان جاسوسی، که منجر به مرگ چند دانشجوی ایرانی شده بود، پرده برداشتند، باعکس‌العمل شدید مقامات دولتی از قبیل زندان و اخراج از کشور روبرو شدند. اکنون با دستگیر شدن این سازمان جاسوسی به استناد گفته‌های حسن سنا، معاون رئیس ساواک، در مصاحبه مطبوعاتی خود تأیید میکند.

سوال: «می‌توانید نمونه‌ای از همکاری (بین دو سازمان جاسوسی ایران و آلمان غربی) نام ببرید؟»

ج: «بله، یکی دومی وجود داشت. این همکاری مربوط به فعالیت رهبران دانشجویان و گروه‌های دانشجویی بود که علیه رژیم ایران مبارزه میکردند. آنها توسط افراد ساواک بیوش شدند و با دو اتومبیل پژو از آلمان فدرال خارج و به ایران آورده شدند. تصور میکنم که سازمان اطلاعاتی آلمان غربی از این موضوع اطلاع داشت. پلیس آلمان چیزی نمیدانست، ولی سازمان اطلاعاتی آلمان غربی تقریباً ۸۰ درصد مطمئن که مطلع بود.»

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

پرسیش و پاسخ درباره

مشی سیاسی حزب توده ایران (بخش دوم)

نورالدین کیانوری صفحاتی از تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی

(چاپ جدید) ف. م. جوانشیر

بزودی منتشر میشود: تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی

(در دو جلد)

بار اولی که «آقاشاهی» به ایران آمد



۲۳ شهریور و امروز شاهد تظاهرات و شورش بودیم

موج آشوب و بلوای خونین در قم و تبریز

صداهای تظاهر کننده در شهرهای مختلف دستگیر و زده‌ها نظر شدت محروح شدت... در قم و تبریز...

آقاشاهی رئیس کنفرانس اسلامی پاکستان روزی بدست بوس طاغوت رفت که در خیامان شاه ۲۳ شومردم

مسلمان ایران را کشتار می‌کردند. آقاشاهی در همان روز با شاه خائن پیمان کمک به مسلمانان افغانستان را بست (این دو عکس، روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷، در روزنامه کیهان چاپ شد)

آقای «آقا شاهی» این «مسلمان» دو آتشه حتماً معرف حضور است. ایشان ریاست «کنفرانس کشور - های اسلامی» را که در پاکستان برپا شده بود، بر عهده داشتند. در این کنفرانس دولتهای کشورهای که خلق‌های آنها مسلمان هستند، شرکت داشتند، تا «تاجیک شوروی» به افغانستان را «محو» کنند. این کشورها با اشاره آمریکا و به همت آقاشاهی، گرد آمدند.



پایان مذاکرات ایران و پاکستان

پایان مذاکرات ایران و پاکستان

آقاشاهی مشاور رسمی دولت پاکستان در شرفیابی دیروز به حضور شاهنشاهی پیام ویژه ژنرال ضیاءالحق را تقدیم داشت. آقاشاهی مشاور امور شوروی خود استوار این مطلب را رسانید.

آقاشاهی رئیس کنفرانس اسلامی پاکستان روزی بدست بوس طاغوت رفت که در خیامان شاه ۲۳ شومردم

مسلمان ایران را کشتار می‌کردند. آقاشاهی در همان روز با شاه خائن پیمان کمک به مسلمانان افغانستان را بست (این دو عکس، روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۷، در روزنامه کیهان چاپ شد)

در حالیکه آقاشاهی برای پیگیری «مسئله حیاتی» به آنکارا میرفت، روزنامه دیلی نیوز چاپ پاکستان درباره این دیدار نوشت: «این نوع دیدارها هواره عامل اصلی مناسبات دو کشور بوده است. علاوه بر این دو کشور مسلمان و همسایه ایران و پاکستان پیوسته در مورد مسائل مهم جهانی و منطقه‌ای عقاید و نظریات یکدیگر را جویا میشوند.»

انقلاب افغانستان گفت: «تنها چیزی که موجب نگرانی ما است، وجود یک رژیم کمونیستی در منطقه است که مارا ملزم میکند که کاملاً بیدار باشیم، زیرا ما مسلمان هستیم و کمونیسم مخالف سرسخت اسلام است.»

«وجود سرزمین کمونیستی در جوار کشور اسلامی ایران و پاکستان همیشه منبع خطرهراس است.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

«افزایش کمونیسم در افغانستان بسیار مشکل است، زیرا اکثریت مردم و شاید نزدیک ۹۹ درصد مسلمان متصب هستند.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیسم